

مهاجرت ژرمن‌ها

گت‌ها اقوامی بودند نیمه متمدن و بیابان گرد. و بر طبق تحقیقات و تجسس‌های علمی و تاریخی دانشمندان و محققین این اقوام ابتدا در نواحی مه‌آلود و سرد بالتیک زندگی میکردند.

و بعدها دسته دسته بتدریج از محل اولیه خود بسایر نقاط اروپا مهاجرت نمودند و تیره‌هایی از آنها بنام فرانک‌ها^۱ آلمان‌ها^۲ بورگندها^۳ و اندال‌ها^۴ انگل‌ها^۵ ساکسون‌ها^۶ خواه با اجازه امپراطوران رم و خواه با تاخت و تاز وارد خاک امپراطوری شده اند. درباب چگونگی این مهاجرت و یا یورش اولیه بربرها اطلاعات بسیار کمی در دست است ولی آنچه مسلم است اینست که در نیمه‌قرن دوم میلادی این قبایل وحشی ناحیه ویستول سفلی را ترك گفته و بعد از چندی در استپ‌های اوکراین پراکنده شده و سپس در مشرق و مغرب دنیر^۷ با عشوان استروگت^۸ (گت شرقی) و ویزیگت^۹ (گت غربی) سکنی گزیده اند و با این ترتیب از سال ۲۷۰ میلادی یعنی از زمانیکه تهدید و فشار آنها، امپراطوری روم را مجبور به تخلیه داسی^{۱۰} (رومانی امروز) نموده است دانوب مرزین ژرمن‌ها و امپراطوری رم گردید.

با توجه بآنچه که گذشت این جنبش و تحرك ژرمنها بطریق فوق مسلما تغییرات فاحشی را از نظر جغرافیائی و سیاسی واجتماعی دربر داشته که ذکر مختصر این تغییرات از نظر آشنائی و مطالعه تاریخ آن دوره ارزش و اهمیت خاصی را دارا می‌باشد.

Burgonds — ۳

Saxons — ۶

Wisigoths — ۹

Alamans — ۲

Angles — ۵

Ostrogoths — ۸

Frans — ۱

Vandales — ۴

Dniepr — ۷

Dacie — ۱۰

برای درک و فهم بیشتری لازم می‌داند که با استفاده از نوشته‌های تاسیت مورخ رومی (۱۲۰ - ۵۵ میلادی) و سایر منابع و مآخذ معتبر استقرار و استیلای تیره‌های مختلف بربرها را در مستملکات رومی اجمالا بشرح زیر بیان نماید.

در مغرب. واندال‌ها از کنار بالتیک. دانوب‌علیا و وسطی را اشغال نموده و بورگن‌ها که از همین مناطق آمده بودند و یا شاید از جزیره کوچک بورن هلم^{۱۱} در کنار مزی و امتداد مایانس سکونت اختیار نمودند.

آلمان‌ها هم از ساحل رودخانه مین^{۱۲} امپراطوری رم را به تخلیه برج و باروی‌شان دکومات^{۱۳} مجبور نمودند و بالاخره با عقب‌راندن سی کامبرها^{۱۴} شاموها^{۱۵} بروکترها^{۱۶} و توبانت‌ها^{۱۷} و فرانک‌های ریپوتر^{۱۸} از بن ۱۹ تا کولونی^{۲۰} و فرانک‌های سالین^{۲۱} نواحی دریائی هلند را اشغال نمودند.

در شمال انگل‌ها - وارن‌ها^{۲۲} و بعد ژوت‌ها^{۲۳} ضمن برخورد با جمعیت اسکاندیناوی که آنها هم از نژاد ژرمن بودند شبه جزیره ژوتلند را بتصرف درآوردند و بین دهانه‌های الب و وزر ملل دریائی ساکسون - فریزن و بعد در قسمت شرقی این ناخیه لمباردها متمکن شدند.

از نظر زندگی اجتماعی همانطور که قبلا اشاره شد بربرها افرادی نیمه‌تمدن و خشن و شغال اصلی آنان گله‌داری و شکار بود. بکشت و کار زمین چندان علاقه‌ای نداشتند و همواره دنبال نقطه امن و مطمئنی می‌گشتند که بتوانند در آنجا زندگی نموده و اغنام و احشام خود را بپرورانند. مالک زمین نبودند و زمین بهمه قبیله تعلق داشت. چنان که تاسیت مورخ معروف در این باب چنین نوشته است: «زمینهای زراعتی ملل ژرمن فقط برای یک سال بآنها داده میشد و از آن پس

Maine — ۱۲

Bructeres — ۱۱ جزیره‌ای کوچک در بالتیک

Champs Decumates — ۱۳ ناحیه ایست مابین ساحل رن و دانوب و در قرن اول میلادی ضمیمه خاک امپراطوری رم شد.

Chamaves — ۱۵

Sicambres — ۱۴

Bructeres — ۱۶

Ripuaires — ۱۸

Tubantes — ۱۷

Bonn — ۱۹

Saline — ۲۱

Colognes — ۲۰

Varnes — ۲۲

Jutes — ۲۳

این زمینها عمومی می‌گردید یعنی آنها را برای زراعت بدیگران واگذار می‌کردند و در واقع افراد ملل ژرمن زمین زراعتی شخصی نداشتند و زمین آنها محوطه ای بود که در اطراف خانه خود ایجاد می‌کردند و وقتی که می‌مردند این محوطه بفرزندان ذکور آنها می‌رسید چه اگر آنها بفرزندان اناث واگذار می‌نمودند زمین از تصرف خانواده خارج میشد.

امتیاز طبقاتی در آن زمان در میان بربرها وجود نداشت و همه افراد باهم مساوی بودند. آنها نه شاه داشتند و نه دولت و تنها اتحاد قبیله‌ها - عشیره‌ها - و خانواده‌ها کادر زندگی سیاسی و اجتماعی آن روز بربرها را تشکیل می‌دادند. استقلال قبیله خود را دست‌نخورده و بکر نگهداشته مانند ارث از پدران خود آنها حفظ و نگهداری می‌نمودند.

هرسال یک‌بار برای مباحثه و شور درباره جنگها و یا قضاوت و رسیدگی در باب اختلافات حاصله بین قبایل و یا برای انتخاب رئیس و یا فرمانده قشون در یک مکان مخصوص زیر درختی یا در کوهی اجتماع می‌نمودند.

قبایل ژرمن افرادی سلحشور و بی‌پایه بودند بیشتر اوقات خود را در صرف جنگها می‌گذرانیدند. و در موقع بیکاری بشکار می‌رفتند. و هیچیک از معاملات خود را بدون اینکه مسلح باشند انجام نمی‌دادند نظریات مثبت و منفی خود را در معاملات با اشاره باسلحه ظاهر می‌نمودند همینکه سن آنها برایشان حائل اسلحه اقتضا می‌کرد در مجمع مخصوصی حضور بهم می‌رسانیدند و در آنجا زوینی بآنها داده میشد و از آن پس معلوم بود که از سن طفولیت خارج و وارد مرحله جوانی شده‌اند. از این پس دیگر آنها نه تنها عضو یک خانواده بودند بلکه یکی از اعضاء جامعه ژرمنی محسوب می‌گردیدند.

خیانت کاران باشد مجازات تنبیه می‌شد بنا بگفته تاسیت مورخ معروف در بین قبایل ژرمن بیش از دو عمل. خیانت بزرگ نبود که یکی از آن دو خیانت نسبت به ملت و دیگری ترس بود ژرمن‌ها مرتکبین این دو خیانت را بسختی مجازات می‌کردند حائن را بدار می‌آویختند و ترسوها را در رودخانه و باتلاق می‌انداختند از این دو تبه‌کاری که بگذریم تبه‌کاری بزرگی که مستوجب مجازات اعدام باشد وجود نداشت.

توجه به نکات مذکور این نظر را بوجود می‌آورد که این افراد نیمه متمدن با آن شرح

و توصیفی که درباب آنان گذشت نمی‌توانستند از تماس و برخورد با جمعیت‌های فردی و اجتماعی که از نظر فکر و تمدن فرق فاحشی باهم داشتند دور و برکنار باشند و خواهی و نخواهی در مرزهای مذکور با آنها در تماس و برخورد بودند و بهمین جهت از نظر فهم ا و ادراک و خصوصیات اخلاقی - تجارت و انواع و اقسام زندگی ساده تحول بزرگی را در این اجتماع مورد بحث طبیعتاً بوجود می‌آورد. چنان‌که در جریان این تحول بود که بربرها بیشتر بزمین علاقه پیدا نمودند و در دهکده‌ها سکونت گزیدند سکنه هرده به قبیله‌ای تعلق داشت و هر خانواده برای خود دارای حیاط و خانه جداگانه بود زیرا بقول تاسیت چون ژرمنها شهرنشین نبودند رضایت نمی‌دادند خانه‌های آنها یکدیگر وصل شود و بهمین جهت وقتی خانه می‌ساختند در اطراف آن محوطه‌ای ایجاد می‌کردند که محصور بود.

دختران تا موقع ازدواج و پسران تا سن ۱۲ یا پانزده سالگی در میان خانواده زندگی مینمودند و بکار کردن درخانه و باکشت زمین مشغول می‌شدند و ژرمن‌ها معمولاً در مواقع درو دست از جنگ می‌کشیدند و در زمین‌های زراعتی بکشت جو و گندم و کتان مشغول میشدند و از محصول زمین‌ها مواد اولیه مسکن و پوشاک خود را نیز بدست می‌آوردند. خانه را از چوب ونی می‌ساختند و لباس را بتدریج از پشم و پوست تهیه می‌نمودند.

نزد قبایل ژرمن اگر شخصی می‌خواست شخصی را بفرزند یا جانشینی خود قبول کند وصول بسن بلوغ و اعطای اسلحه باو تنها کافی بود مثلاً بنا به نوشته مولف روح القوانین وقتی گوتتران پادشاه فرانک خواست بلوغ برادرزاده خود شیلدبر را اعلام نماید و او را بفرزندی و جانشینی خود انتخاب کند چنین گفت: «من این زویین را بدست تو می‌سپارم و علامت آنست که کشور خود را بتو داده‌ام» و آنوقت بطرف مجمع عمومی رو نموده و گفت: «شما بخوبی مشاهده می‌کنید که برادرزاده و فرزند من اینک یک مرد شده بنابراین از وی اطاعت کنید».

باینکه تئودوریک پادشاه طوایف استروگت که یکی از طوایف بزرگ ژرمن بود هنگامیکه می‌خواست پادشاه طوایف هرول را بجانشینی خود انتخاب نماید بدو چنین نوشت: «در یکی از رسوم پسندیده ما اینست که شخصی بوسیله دریافت اسلحه بمقام جانشینی

می‌رسد زیرا فقط جوانان شجاع و با همت هستند که لیاقت فرزندی مارا دارا می‌باشند و از محاسن بزرگ این عمل آنست که وقتی کسی اسلحه‌ای را دریافت داشت هزار بار مرگ را برهنگ شرف و بی آبرویی ترجیح می‌دهد بنابراین برطبق رسوم ملی و نظرباینکه شما اینک مرد شده اید ما با فرستادن این سپرها و شمشیرها و اسبها شما را به جانشینی خود انتخاب می‌نمائیم».

در باب عقاید دینی و مذهبی اولیه ژرمنها اطلاعات زیادی در دست نیست ولی همینقدر معلوم است که قبل از گرویدن بدین مسیح مانند یونانیان و رومیان خدایان متعددی را می‌پرستیدند که بصورت انسان بوده است و این خدایان همه‌اعضای یک خانواده و بزرگ و پدر همه ودان خداوند جنگ و طوفان بود امور مذهبی بدست روسای خانواده انجام می‌گرفت و چون مبانی دینی محکمی نداشتند لذا قبول آئین دیگر و تغییر مذاهب برای آنان چندان دشوار نبود و بهمین سبب محض ورود به امپراطوری روم تمام اقوام ژرمن بذهب آریانیسم درآمدند.

از نظر سیاسی و نظامی بربرها در ابتدای امر نسبت بعظمت رم بانظر تحسین و اکرام می‌نگریستند و در فکر این نبودند که بوسیله قوه قهریه و بقصد غارت داخل مملکت رم بشوند بلکه از امپراطوران رم درخواست مینمودند که بآنها اجازه داده شود تا در امپراطوری پذیرفته شوند. زمین و خاک در اختیار آنان بگذارند که مانند رعایا و اتباع رم زندگی نمایند و از نعمت‌های و ثروت‌های آن‌سهم باشند امپراطوران در برابر چنین امری با آنکه با واگذاری سرحدات پرازنعمت خداداده و طبیعی تا اندازه‌ای توانستند بطور موقت از شورش و طغیان آن قوم جلوگیری نمایند معذالک در آخر سالهای قرن چهارم قوم ژرمن بعلت فشار وارده از اقوام وحشی دیگر (هونها) که از استپها بمرکز آسیا در حرکت بودند بناچار وارد خاک امپراطوری شده و در قسمت غربی آن دست بقتل و غارت گشودند و در نتیجه این تهاجم و فتوحات اقوام بربر بود که وضع اجتماعی و اقتصادی رومیها تغییرات گوناگون رخ داد که از نظر اهمیت تاریخی اختصارا بذکر تحولات و تغییرات ناشیه از این مهاجرت ویا یورش اقوام بربر بارعایت تاریخ وقوع آنها می‌پردازیم.

در سال ۳۷۸ میلادی اولین دستجات ویزیگت‌ها بر علیه والانس امپراطور شورش کردند

ولی سربازان مطیع و سلحشور امپراطور بزودی موفق گردیدند که حرکت آنها را موقتاً متوقف و بطرف مغرب متوجه سازند و در سال ۴۱۰ میلادی آلاریک سردار و پادشاه آنها توانست رم را بگیرد و در سال ۴۱۲ میلادی خود را بگل برساند در اواخر سال ۴۰۶ میلادی واندالها بمعیت آلنها^{۲۴} و سووها^{۲۵} از رن عبور نموده و از آن زمان بمدت کمی این دستجات در اسپانیا توقف کردند و در سال ۴۲۹ ژانریک^{۲۶} و اندالها را برای فتح آفریقا دعوت نموده و گل شمالی بوسیله فرانکها و آلمانها و بورگننها بتدریج اشغال شده است.

بومیهای سلتی هم که بعزت هجوم ساکونها که میخواستند در کنار تمام سواحل دریای شمال و مانس مستقر شوند تهدید شده بودند تا آخر قرن پنجم موفق شدند که از این هجوم جلوگیری کنند ولی بعد از مدتی ژرمنها آنها را در شمال و مغرب جزیره عقب رانده و یک قسمت از پروتونها^{۲۷} به آرموریک مهاجرت نمودند.

بروتانی بین بومیهای سلتی و ساکنها تقسیم شد و در فلاندرورنانی^{۲۸} و بین دانوب و الب برعده غارتگران فرانکها و آلمانها - باواروا^{۲۹} روز بروز افزوده میشد و توانستند آن منطقه را جزو مستملکه خویش قرار دهند و در نتیجه رومیها نیز از آنجا مهاجرت نمودند. در سالهای ۴۵۱ - ۴۵۲ هونها بفرماندهی آتیلا پانونی را تصرف نموده و گل و دشت پو را مورد غارت قرار داده بودند و بالاخره در سال ۴۸۸ تئودوریک پادشاه استروگتها توانست لشکریانش را به ایتالیا وارد کند و باین طریق بایک کوچ وسیع ژرمنها موفق شدند لاقلاً یک قرن در تمامی ایالات نوبی اروپا مستقر شوند در صورتیکه شرق سالم و دست نخورده باقی ماند.

بدنبال همین مطالب می توان چنین نتیجه گرفت که هجوم و قتل و غارت و بعبارت دیگر مهاجرت بربرها بناوحدی مختلف اروپا با یک بدبختی و مصائب بیشماری توأم گردید بدین -

۲۴ - Alains تیره ای از بربرها بودند که گل را خراب نمودند ۴۰۶ و در اسپانیا بوسیله ویزیگتها از بین رفتند .
۲۵ - Sueves تیره ای از ژرمنها بودند که در

قرن سوم بین رن و سوایی دانوب زندگی میکردند در قرن پنجم باسپانیا وارد شدند و اما حکومت آنها بوسیله ویزیگتها درهم پاشید.

۲۶ - Genseric

۲۷ - Bretons

۲۸ - Rhenanie

۲۹ - Bavaois

از ملل قدیم آرموریک میباشند.

معنی بربرهائیکه مرتبا در ممالک مدیترانه داخل میشدند با آنکه اغلب آنها چنان که قبلا گفته شد به دین مسیح گرویده و از تمدن و فرهنگ رومی نیز باندازه‌ای بهره داشتند معذالك در موقع عبور دستجاتی از آنها که سربازانی خشن و حریص و مالپرست بودند به کشورهای ایتالیا - گال - اسپانیا - و آفریقا خسارت و زیان‌های جبران‌ناپذیری وارد آمد که عده‌ای از متمولین رومی یا از بین رفتند و یا اقدام بیک مهاجرت دسته‌جمعی نمودند که هرگز بخاک روم برنگشتند و در بین آنها که مهاجرت نمودند و یا مانند پلین دوپلا^{۳۰} ملاک متمول آکی‌تن برای محافظت اموالش با غارتگران همکاری کرده و نخواستہ بود به قلمرو املاک خود در شرق پناه ببرد در بدر شده‌بارسی پناه برد و خانه‌اش نیز موقعیکه ویزیگتها میخواستند مملکت را ترک گویند بیاد غارت رفت .

و با اینکه ادامه چنین آشوبها و غارتگری‌ها در وضع روحی مردم روم نیز خالی از اثر نبوده است چنان‌که اشغال رم بدست آشوبگران یک نوع ناراحتی روانی توأم با یاس و بدبینی در طبقات مردم ایجاد کرده بود. باین معنی سقوط رم در سال ۴۱۰ بدست آلاریک و همچنین ویرانی و خرابی شهری که مدت‌های درازی مهد تمدن و پایتخت جهان محسوب می‌گشت مردم دنیای متمدن آن روز را حاج و واد نموده بود و سناتورهاییکه هنوز بمذهب قدیم خود باقی بودند سقوط روم را انتقام خدایان و نتیجه شوم دستورات دین مسیح که حاکی از مسالمت و صلح‌جوئی است می‌دانستند. و مسیحیان نیز از اینکه خداوند شهر پیر مقدس را در برابر وحشیان حفظ نکرده بود سخت پریشان بودند و گروهی از آنان برای پندار بودند که ترک سنن و پرستش خدایان ملی و گرایش به آئین جدید مسیحیت و پذیرفتن خدائی دیگر موجب انهدام و شکست شهرشان شده است بهمین سبب در حال دلتنگی بدین قدیم بت پرستی برگشته و اغلب خیال می‌کردند که دنیا با آخر رسیده است چنانکه پروسپرداکی‌تن^{۳۱} مورخ و شاعر لاتینی (۴۶۰ - ۳۹۰) درین باب می‌نویسد: «صلح‌زمین را ترک کرده و تمام اینکه تو می‌بینی قریب با تمام است» و یا در همین هنگام آشوب و شوربختی سن اوگستن^{۳۲} (۴۳۰ - ۳۵۴) برای مبارزه با فساد روحی و دلگرم نمودن ضعیفان، کتاب «شهر خدا»^{۳۳} را در سال ۴۲۰ میلادی

Prosper d' Aquitaine — ۳۱

Pauline de Pella — ۳۰

La cite de Dieu — ۳۳

Saint Augustin — ۳۲

منتشر ساخت و کمتر کتابی تاکنون آمده است که مانند این کتاب در تحولات و تبدلات بعدی تمدن مغرب‌زمین موثر بوده باشد چنان‌که کتاب مزبور کتاب مورد نظر شارلمانی و روش‌سیاست وی بود که اثر عمیق در اروپا برجای گذاشت.

البته غرض او گستن از نگارش کتاب «شهر خدا» همانطور که مؤلف کتاب «تاریخ جهان نو» می‌نویسد این بوده که بگوید اگر چه دنیای روم رو باضمحلال است مع‌ذالك دنیای دیگری وجود دارد که جاودانی‌تر از دنیای قیصر است و مهمتر از جلال و حشمت‌رم. و بدنبال این مطالب میتوان گفت که فی‌الواقع دوشهر وجود دارد که یکی زمینی است و دیگری آسمانی. یکی فناپذیر است و دیگری جاودانی. یکی شهر بنده خدا است و دیگری شهر خدا و باین ترتیب تفلیک میان سلطنت‌دنیوی و اخروی بصراحت در نوشته‌های سن‌اوگستن نیز ذکر شده است.

در کتاب «شهر خدا» سن‌اوگستن بدفاع از مسیحیت در مقابل غیر مسیحیان و مخالفین پرداخته (چه مشرکین همانطور که گفته شد بعد از سقوط رم و غارت شهر بدست گنثا و آلاریک شکست و تنزل رم را بگردن مسیحیان گذاشته بودند و سبب این سقوط را قبول مسیحیت از طرف رومیان و غفلت از خدایان قدیم رم دانستند) از مسیحیت قویادفاع می‌کند و آنرا سبب سقوط رم ندانسته و بت‌پرستی را شدیداً مورد حمله قرار می‌دهد

بهر حال «شهر خدا» اثری بس شگرف در شیوه‌اندیشه مردم بعدی کرد و پایه‌های سیاست دولتهای نیرومند بزرگی را پی‌ریزی نمود و بزودی اثرات این ایام پر آشوب سپری گشت و خرابیهای وارد اصلاح و ترمیم گردید و ایمان و عقیده مذهبی مردم مجدداً استوار و محکم گشت بطوریکه اوروز ۳۴۸ مورخ اسپانیائی که در قرن پنجم می‌زیسته این حادثه و هجوم را پیش‌آمدی بیش نمی‌داند و معتقد است بروز این حوادث با اجازه خداوند بوده است تا در مرکز امپرا طوری. مردم بتوانند با ایمان راسخی بدین مسیحیت بگروند بدنبال چنین فکر و اعتماد باز یلیک‌های سن‌سالین^{۳۵} سن‌ماری‌ماژر^{۳۶} بین سالهای ۴۲۰-۴۴۰ در رم بنا و با موزائیک‌های معمول زمان کنستانتین مزین گردید.

از این مختصر می‌توان چنین نتیجه گرفت که با پیشرفت روزافزون اقوام نیمه وحشی ژرمنی در خاک امپراطوری دروضع اقتصادی واجتماعی ممالک لانن کنار دریای مدیترانه نیز تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای رخداد باین معنی‌چون زمامداران رم از مدتها قبل برای حفظ ثغور و سرحدات مملکت خویش از وجود جنگجویان نیرومند ژرمنی استفاده می‌نمودند و برای اجرای این منظور زمین‌های زراعتی و حاصلخیز بیشتری به آنها واگذار شده بود لذا دستجات مختلفی از این اقوام جاهله را برآن داشت که هرکدام از آنها در یکی از ولایات تابعه امپراطوری بطور فدره ۳۷ بخدمت نظامی مشغول شوند و از این جهت وسائل استقرار ژرمنها در خاک رم باسانی فراهم گردد.

با تسلط بربرها و سکونت آنان در روستاوضع مالکین و موضوع پرداخت مالیاتها را بکلی تغییر داد چه برخلاف زمان امپراطوری که صاحبان املاک در شهر بسر می‌بردند و مطیع قانون بودند مالکین ژرمنی با رعایای مسلط‌خود در اراضی زراعتی زندگی می‌نمودند و از پرداخت مالیات نیز معاف بودند^{۳۸} و علاوه در وضع رعایا و غلامان نیز بهبودی حاصل شد باینکه این طبقات امتیازاتی نداشتند مع‌ذالك توانستند مالک زمین‌هائی شوند که بدست خود آنها کشت و زرع میشد.

روستائی کردن اقتصاد و لزوم اینکه سازمان دائمی بامور مملکت بدهند زمامداران را برآن داشت که تا حدی ژرم میهمان‌نازی سابق را تغییر دهند باین جهت مالکین بر حسب قاعده‌ای که در رم معمول بود مجبور شدند که یکسوم یا گاهی دوسوم از اراضی قلمرو

۳۷ - فدره‌ها حقوق ملی و تشکیلات مستقل و آزاد خود را حفظ میکردند و پادشاهان آنها تنها با رم ارتباط داشت و در برابر تامین زندگی افرادش از طرف دولت رم آمادگی فداکاری و خدمت صادقانه خود و قبیلدش را اعلام میکرد. چنان‌که آلابیک رئیس و سردار بربرها قبل از ورود ژرمن‌ها به ایتالیا یک افسر عالی رتبه ارتش قشون رومی بوده و فدره‌های ویزیگت در ۵۱۱ میلادی با تنظیم قراردادی در اکتین مستقر شدند و تمرکز فدره‌های واندا در اسپانیا در ۴۱۱ میلادی در نومییدی در ۴۱۵ میلادی در افریقا ۴۴۲ و فدره‌های بورگند در ساووا ۴۴۳ با همان شرایط و موافقت‌های قبلی عملی گردید.

۳۸ - در قوانین ویزیگت‌ها مقرراتی هست که هرگاه یکی از افراد قبیله اراضی یک نفر رومی را تصرف نماید باید حتما آنرا بیک رومی دیگر بفروشد تا اینکه اراضی مزبور مشمول پرداخت مالیات شود. این قانون هم خیلی خوب می‌رساند که ویزیگت‌ها مالیات اراضی نمی‌پرداختند بلکه رومیها بودند که بایستی مالیات بدهند. «روح‌القوانین منتکیو»

خود را بروسای قبایل بربر و اگذار نمایند ازین رو بربرها بدون زحمت و اشکالی در این اراضی مستقر شده و بتدریج توانستند سرزمین‌های امپراطوری را یکی بعد از دیگری بدست آورند. چون طبقه اعیان و اشراف نیز از وجود جنگجویان خارجی در پادگانهای خود استفاده مینمودند لذا از این راه نیز بیش از پیش بر نفوذ بربرها در دستگاه نظامی روم افزوده گشت تا جائیکه کنترل ادارات دولتی نیز بعهده آنها محول گردید و فرماندهان نظامی توانستند نفوذ قدرت خویش را بخارج از منطقه مستحفظی خود توسعه دهند و دستجات نظامی را در آنجاها متمکن سازند چنان که طولی نکشید در اثر ضعف و ناتوانی حکومت رم اودوآکر فرمانده نظامی بربرها در سال ۴۷۶ میلادی رومولوس اوگستول^{۳۹} امپراطور را از سلطنت خلع و خود در کاخ امپراطوری راون^{۴۰} به تخت نشست و باین ترتیب امپراطوری با عظمت رم غربی موجودیت خود را از دست داد.

درباب انقراض امپراطوری رم غربی بدست بربرها عده‌ای از دانشمندان و مورخین را عقیده بر اینست که چون پادشاهان بربرها همواره خودشان را منتخب از جانب امپراطور رم می‌دانستند و در آن زمان هم یک پایتخت وجود داشت که آنها قسطنطنیه بود بنابراین می‌توان چنین تصور کرد که وحدت امپراطوری رم مجددا احیا گردیده است برای اثبات نظریه فوق اینک متن نام‌مسیزیموند^{۴۱} پادشاه بورگند که به امپراطور آناستار اول نگاشته است ذیلا نقل می‌گردد.

«اجداد من همیشه فدائی امپراطوری بوده اند ایشانرا هیچ چیز بقدر القابی که آن اعلیحضرت بآنها اعطا فرموده قرین افتخار ننموده است پدران من در تحصیل القابی که امپراطوران می‌دهند جهودافی کرده قدر و منزلت آنها از القابی که از گذشتگان خود داشته اند برتر دانسته اند قوم من از آن شاست و من که بر آن فرمانروائی دارم فرمانبردار شما هستم و این فرمانبرداری بر من گواراتر است تا آن فرماندهی در میان قوم خود چون پادشاه جلوه می‌کنم ولی جز سربازی از شما هستم. شما بوسیله من بر دورترین نواحی قلمرو خود

Ravenna — ۴۰

Romulus Augustule — ۳۹

از شهرهای بسیار زیبای ایتالیا در کنار دریای آدریاتیک واقع بوده است، گت‌ها که ایتالیا را فتح نمودند نظر باستحکام قلاع و خصار آنجا پایتخت را از رم براون انتقال دادند.

Sigismonde — ۴۸

حکومت می‌کنید و من منتظر اوامری هستم که لطفاً بمن بدهید».

از نظر فرهنگی بربرهای ژرمنی هنوز بآن درجه از فهم و رشد فکری ترسیده بودند که بتوانند بقایای تعلیمات و علوم سابق را در اختیار گرفته و بسط دهند و یا لاقابل بهمان درجه نگاه دارند لذا ادبیات رومی با استقرار مهاجمین غارتگر بکلی از رونق و اعتبار افتاد و هر قبیله در سرزمین متصرفی خود شهری رایبایتختی انتخاب کردند و در هر یک از این نواحی زبان و ادبیات قوم غالب رواج یافت و با ورود افراد خشن جزو طبقه تربیت یافته بطور محسوس سطح عمومی فرهنگ رو بتنزل نهاد. ولی ناگفته نماند که در ابتدای قرن ششم ثئودوریک باین فکر افتاد که تمدن درخشان رومی را بار دیگر در ایتالیا زنده و برقرار نماید و در راه نیل باین هدف بدستور وی بناهای رم تعمیر و در راون کلیسیا و بناهایی بسبک بیزانس ساخته گردید و در شهرهای عمده و بزرگ نیز مدارس علم و بیان بهمان نحوی که در قرن چهارم معمول و متداول بود تاسیس و شروع بکار نمودند.

از نظر مذهبی چون بربرها آریانیسم بودند و تعصب مذهبی آنها نیز در عقاید ملی شان نفوذ کلی داشت لذا گاهگاهی باذیت و آزار کاتولیکها پرداخته و حتی در افریقا و اندالها کاتولیکها را از کلیسیاها نیز بیرون کردند در حالیکه رم از نظر مسیحیت وحدت عقیده را حفظ نموده و از همان دوره اسقفی توانست با استفاده از جمعیت‌های ژرمنی رومی و ایجاد یک مقاومت طبیعی و مذهبی برای مبارزه بر علیه اشغالگران آماده گردد.

فرانک‌هایی که در بت‌پرستی تسلیم می‌گردانده و شهر آن می‌توانستند آرزوی گرویدن بارتدکسی را داشته باشند مع‌هذا بعد از اولین تسلط و غلبه اختلاف مذهبی بین رومیها و پادشاهان گت و واندالها موجب ایجاد یک نقش جدید سیاسی در غرب گردید.

پادشاهان استروگت ایتالیا

1 — Odovacar (Odoacre)	۴۹۳ مارس ۱۵ ۴۷۶ اوت ۲۳
2 — Theodoric	۵۲۶ اوت ۳۰ ۴۹۳ مارس
3 — Athalaric fils d' Amalasonthe	۵۳۴ اکتبر ۵۲۶ اوت ۳۱
4 — Amalasonthe	۵۳۴ ۲ اکتبر ۵۲۶ اوت ۳۱ بنیابت پسرش دختر تئودوریک کبیر
5 — Theodat یا Theodahat	۵۳۵ آوریل ۳۰ — ۵۳۴ نوامبر
6 — Vitigès	۵۴۰ مه — ۵۳۶ نوامبر
7 — Ildibad	۵۴۱ — ۵۴۰ میلادی
8 — Eraric	۵۴۱ میلادی
9 — Totila	۵۵۲ آخر ژوئن ۵۴۱
10 — Teia	۵۵۲ اکتبر ۳۰ — ۵۵۲ ژوئیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پادشاهان و اندال افریقا
پرتال جامع علوم انسانی

1 — Geiseric (Gaiseric - Gensesic)	۴۷۷ ژانویه ۴۲۸ مه
2 — Huniric	۴۸۴ دسامبر ۲۲ — ۴۷۷
3 — Gunthamund فرزند Gento	۴۹۶ اکتبر ۳ ۴۸۴
4 — Thrasamund فرزند Gento	۵۲۳ ژوئن ۷ ۴۹۶
5 — Hildiric فرزند Huniric	۵۳۰ ژوئن ۱۵ — ۵۲۳
6 — Geilmer فرزند Geilarith	۵۳۳ سپتامبر ۱۵ — ۵۳۰

پادشاهان لمبارد ایتالیا

1 — Alboin		۵۷۲ ژوئن ۲۸	۵۶۹
2 — Clept		۵۷۴ اوت	۵۷۲
3 — فترت		۵۸۴	۵۷۴
4 — Adilchic. Autharic		۵۹۰ سپتامبر ۵	۵۸۴
5 — فترت		۹ ماه	
6 — Agilulf		۶۱۶ — ۵۹۱ ژوئن	میلادی
7 — Arioalad	Ariovald	۶۲۶ — ۶۱۶	
8 — Adaloald		۶۳۶ — ۶۲۶	
9 — Rothari		۶۵۲ — ۶۳۶	
10 — Rodoald		۶ ماه	۶۵۲
11 — Aripert 1e		۶۶۱ — ۶۵۳	
12 — Perctarit		۶۶۲ در پاوی	۶۶۱ — ۶۶۲ در میلان
13 — Grimoald		۶۶۱ — ۶۵۲	
14 — Perctarit		۶۷۰ — ۶۶۱	
15 — Cunibert		۷۷۰ — ۶۸۸	
16 — Liutpert	Liutbert	۷۰۱	۷۰۰ — ۷۷۰
17 — Reginpert		۷۱۲ — ۷۰۱	
18 — Aripert 11		۷۱۲ ژوئن ۱۳	۷۰۱ — ۷۱۲
19 — Ansprand		۷۴۴ — ۷۱۲ ژوئیه یا ژوئن	
20 — Liutprand		۷۴۴ — ۷۴۵	
21 — Hildebrand		۷۴۹ — ۷۴۵ سپتامبر	
22 — Rathis	Rachis	۷۵۶ دسامبر	۷۴۹ — ۷۴۵
23 — Aistulf	Astolf	۷۵۹	۷۴۹ ژوئیه
24 — Didier	Adelchi	۷۵۹	۷۷۴ ژوئن ۷۵۷

منابع و مأخذ

- 1 — R. Latouche, Les grandes invasions et la crise de l' Occident au Ve siècle 1947
- 2 — H, Hulbert, Les Germains, Paris, 1926 (Publié en 1952)
- 3 — C. Courtois, Les vandales et l'Afrique, Paris 1955
- 4 — Gostrogorsky, Histoire de l' Etat byzantin, trad francais (Paris 1956)
- 5 — A. A. Vasiliev, Histoire de l'Empire byzantin, trad francais (2 vol, 1932)
- 6 — Pierre Riché, Les invasions Barbares (que sais - je 1958)
- 7 — Louis Halphen, Les Barbares, des grandes invasions aux conquêtes Turques de XI siècle (1948)
- 8 — Andre Aymard et Jeannine Auboyer, Rome et son Empire (Paris 1959)
- 9 — La Chronologie par V, Grumel (1958)
- 10 — Paul Lemerle, Histoire de Byzance (Que sais - Je ?)

- ۱۱ — تاریخ جهان نو جلد اول تألیف رابرت روزول، بالمر ترجمه ابوالقاسم طاهری
- ۱۲ — قیصر و مسیح جلد نهم تألیف ویلیامورانت ترجمه علی اصغر سروش
- ۱۳ — تاریخ قرون وسطی تألیف البرماله و ژول ایزاک ترجمه عبدالحسین هژیر
- ۱۴ — تاریخ قرون وسطی ترجمه صادق انصاری — باقر قومنی
- ۱۵ — تاریخ فلسفه سیاسی جلد اول تألیف دکتر بهاءالدین بازارگادی
- ۱۶ — روح القوانین تألیف منتسکیو — ترجمه علی اکبر مهتدی

دکتر حسنقلی مویدی

دوازدهم اسفندماه ۱۳۴۳